

مقاله علمی

تبیین تجربه زیسته مردم شهر دزفول از درخت کُناَر

داریوش رضاپور^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸)

چکیده

عناصر طبیعت همچون زمین، خورشید، ماه، ستارگان، آب، گیاه، آتش و کوه همواره نزد اقوام و ملل مختلف جهان ارزش و اعتبار خاصی داشته‌اند؛ تا جایی که برای این مظاهر طبیعت، تقدس قائل بودند و نماد و نشانه‌هایی برایشان می‌ساختند یا خدایانی را به آنها نسبت می‌دادند. در ایران باستان نیز گیاهان از احترام و ارزش بسیاری برخوردار بوده‌اند. پژوهش حاضر با هدف تبیین تجربه زیسته مردم از درخت کُناَر در شهر دزفول انجام شده است. در این پژوهش کیفی از روش پدیدارشناسی توصیفی، نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه عمیق با ۱۵ نفر از افرادی استفاده شده که به این درخت متوسل می‌شوند. داده‌ها بر اساس الگوی هفت‌مرحله‌ای کلایزی تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌های پژوهش، شامل بیست مفهوم و سه مقوله یعنی «مدیریت منابع»، «همبستگی جمعی»، «کنترل فردی-اجتماعی» است. نتایج نشان می‌دهد که حفظ و نگهداری درخت کُناَر به منظور مدیریت منابع و استفاده طولانی‌مدت از خواص درمانی و بهداشتی آن از کارکردهای مادی آن محسوب می‌شود. همچنین توسل و احترام به این درخت برای رفع برخی مشکلات زندگی که موجب همبستگی جمعی و حفظ نظم اجتماعی می‌شود، از کارکردهای معنوی آن است.

کلیدواژه‌ها: تجربه زیسته، اماکن مقدس، درخت کُناَر، پدیدارشناسی، شهر دزفول

^۱ عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، rezapour@gmail.com

مقدمه

انسان‌ها از دیرباز پیوسته در جستجوی اشیا یا افرادی بوده‌اند که آنها را فراتر از امور عادی روزمره خود بنشانند و با دیده تقدس و احترام به آنها بنگرد. این تقدس و احترام گاه به یک شخص یا شی خاصی تعلق می‌گرفته است. با توجه به این امر می‌توان مظاهر طبیعت را میراث بشری به حساب آورد؛ زیرا پس از گذشت هزاران سال هنوز اهمیت دادن به مظاهر طبیعی در باور مردمان ریشه دارد. از میان اشیایی که افراد به آنها به دیده تقدس نگاه کرده‌اند می‌توان درخت را نام برد. مردمان جوامع اولیه درختان را می‌پرستیدند و آنها را به عنوان میانجی میان جهان خدایان و عالم بشری در نظر می‌گرفتند، به گونه‌ای که باقی‌مانده‌های این باورها را هنوز هم می‌توان در برخی ادیان و جوامع دید (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۵۹). آنان معتقد بودند که درختان این قدرت را دارند که باران بسازند، خورشید را به درخشش وا دارند، گله‌ها را افزایش دهند، زنان را بارور کنند و در زایش به آنان یاری رسانند (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۱). در بسیاری از نواحی مختلف جهان هنوز هم می‌توان گیاهان و درختانی را دید که برای مردم قابل احترام‌اند و مناسک، باورها و نمادهای خاصی حول آنها شکل گرفته است. میشل مالرب^۱، فیلسوف فرانسوی، در این خصوص معتقد است که گیاهان عموماً نماد زندگانی، شکوفایی و زیبایی‌اند. گل رز در جشن‌های مریم باکره نماد حضور مریم در کلیساست. در آیین بودایی «لوتوس»^۲ در همه جا حاضر است. این گل‌ها که در مرداب‌ها می‌رویند، نماد زیبایی برآمده از گل است. «سوسن» که در انجیل از آن به خاطر سفیدی‌اش، فراوان یاد شده است، نماد زیبایی و کمال آفرینش است (۱۳۸۵: ۲۶۰).

ایران از جمله مناطقی است که مردمانش برای گیاهان و درختان جایگاه و ارزش نمادین خاصی قائل‌اند؛ ارزش نهادن به درخت و درخت‌کاری موجب شد تا ایرانیان سرزمین خود را «پردیس»^۳ کنند. واژه پردیس که در همه زبان‌های زنده و کهنه دنیا به معنای بهشت است برگرفته از باغ ایرانیان باستان است؛ زیرا همیشه باغ‌های ایرانی لطافت و زیبایی مخصوص خود را داشته‌اند (پورعبدالله، ۱۳۸۷: ۲۳). بهار در اثر خود بیان کرده است: درختان از دیرباز در نزد ایرانیان گرامی بوده‌اند و حتی پادشاهان پارس نیز درختان را گرامی می‌داشتند و همواره اتاق‌های

1 Michel Malherbe

2 lotus

3 paradise

خود را با انواع درختان تزئین می‌کردند (۱۳۷۷: ۴۹). به باور ایرانیان قدیم، درختان انسان‌های خوبی بوده‌اند که پس از مرگ به درخت تبدیل شده‌اند تا زندگی جاوید بگیرند. آنان در فصول مختلف سال و طبق آیینی خاص و با تقدیم هدایایی، به درختانی همچون سرو، چنار، بلوط و ... متوسل می‌شوند و از آن‌ها انتظاراتی دارند.

در این راستا در شهر دزفول در جنوب غربی ایران با منطقه جغرافیایی خاصی روبرو هستیم که به دلیل جلگه‌ای بودن و جریان داشتن رودخانه‌های عظیمی مانند کارون، دز و کرخه موجب شکل‌گیری تمدن‌های بزرگ شده بود. تمدن‌هایی که مردمانش توجهی خاص به گیاهان و درختان داشتند و آنها را ایزد بانوان و منشاء باروری، حیات، سرسبزی و رحمت می‌دانستند. درخت «کُناَر»^۱ از درختانی است که مردم شهر دزفول به دلیل اهمیت آن در زندگی‌شان، ارزش و جایگاه خاصی برای آن قائل هستند. جایگاه و ارزشی که موجب شده است باورها و عقاید خاصی درباره این درخت شکل بگیرد. این عقاید و باورها برخی مردم را ترغیب می‌کند تا برای حل مشکلات‌شان به این درخت متوسل شوند و از آن انتظاراتی داشته باشند. اهمیت این پدیده از آنجا بیشتر مشخص می‌شود که در عصر کنونی، بشر روز به روز در حال پیشرفت و در پی خلق چیزهایی است که زندگی را برای خود راحت‌تر کند. ولی شاهد اعتقادات، مناسک و باورهایی درباره درخت کُناَر هستیم که در نوع خود جالب توجه است. با توجه به مطالب بالا این پژوهش قصد دارد به تبیین تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان تحقیق از درخت کُناَر با رویکردی کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی در شهر دزفول بپردازد.

پیشینه پژوهش

اکبری‌زاده و طاهری (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «فرایند تقدیس درخت در حوزه فرهنگی هلیل‌رود» تلاش کردند از طریق مطالعات میدانی و با روشی توصیفی-تحلیلی و رویکرد نشانه‌شناختی، شیوه‌های تقدس درخت و انتقال آن در حوزه هلیل‌رود را بررسی کنند. یافته‌ها نشان داد که مهم‌ترین شیوه‌های تجلی قداست از طریق هم‌نشینی درخت با امر قدسی صورت گرفته است. کهنسالی و قدمت درخت، ارتباط دادن درخت با فرد مقدس، درخت به عنوان جایگاه اجنه و نیروهای غیبی، هم‌نشینی درخت با مردگان و خاصیت‌های طبیعی و دارویی از مهم‌ترین عوامل تقدیس درخت در حوزه هلیل‌رود محسوب می‌شوند.

۱ در زبان فارسی به آن سدر گفته می‌شود.

سید اخلاقی (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی انگیزه‌ها و پندارهای مردم محلی درباره حفاظت از برخی درختان در استان گیلان پرداخت. بر اساس نتایج پژوهش، از دیدگاه بیش از ۷۵ درصد مردم محلی و ۴۵ درصد کارشناسان، عامل قداست و دلیل حفاظت از این درختان، استقرار آنها در محدوده اماکن مقدس بوده است. کمتر از ۲/۵ درصد از مردم این درختان را ذاتاً مقدس پنداشتند و کمتر از ۴ درصد نیز معتقد بودند این درختان می‌توانند آنان را در برآوردن حاجات مدد رسانند. بررسی همبستگی بین متغیرها نشان داد بین متغیرهای سن و بستن دخیل به درختان رابطه مثبت معنی‌دار، بین متغیر سطح تحصیلات با متغیر حاجت برآوردن درخت رابطه منفی، بین متغیر سواد با متغیر نماد عظمت الهی بودن درخت همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین روابط موصوف نشان داد زنان بیش از مردان به ویژگی شفابخشی و توان حاجت برآوردن درختان اعتقاد دارند.

در پژوهش قربانی جویباری (۱۳۹۸) بر اساس بررسی‌های تاریخی، اسطوره‌شناختی و نمادشناختی این فرض مطرح بوده است که آیین قربانی نخل، در آیین‌های باروری اساطیر تغییر فصل (اعتدال بهاری)، به ویژه دوموزی ریشه دارد؛ زیرا نخل، نماد خدای دوموزی، از خدایان شهید میان‌رودان است. آیین‌های مربوط به دوموزی نیز از چند جهت با آیین قربانی نخل شباهت دارد: در مراسم قربانی نخل و آیین‌های دوموزی، شخصیت اصلی دوموزی است. در آیین کهن دوموزی به عنوان یک ایزد قربانی (شهیدشونده- رستاخیزکننده) و امروزه نماد دوموزی، نخل، به عنوان نماد باروری (چرخه مرگ- رستاخیز طبیعت) و قربانی است. هر دو آیین در اواخر اسفند و اوایل فروردین برگزار می‌شد. نکته دیگر اینکه آیین تموز مبتنی بر باروری (زنان/ زمین) بوده است. در باورهای عامه مردم نیز هنوز بر این نکته تأکید می‌شود که گرده درخت خرما، پنبیر نخل، میوه خرما و دیگر اجزای آن در تقویت قوای جنسی و باروری مردان مؤثر است.

افخمی و خسروی (۱۳۹۷) در پژوهشی با روش پدیدارشناسی به بررسی باغ ایرانی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر هویت‌بخش به فرهنگ ایرانی پرداختند. آنان در این پژوهش به دنبال معنا و مفاهیم اجتماعی باغ در فرهنگ ایرانیان بودند. نتایج نشان داد که باغ ایرانی به عنوان قدیمی‌ترین منظرسازی، برای رفع محدودیت انسان در تسلط بر جغرافیای ایران است و نهاد سیاسی پدیده‌ای را که به فضای باغ می‌داد، به صورت نمادی در جهت نمایش قدرت و مشروعیت درآورده است و از آنجا که بازنمایی پدیده‌های طبیعی در نظمی هماهنگ است، به انسان آرامش و حس رابطه با پروردگار را می‌دهد.

پوراآذر (۱۳۹۵) در پژوهشی به مطالعه تطبیقی نماد درخت در ایران باستان با اسلام پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در ادیان مختلف اعتقاد به تقدس درخت به سه شکل یعنی درخت کیهانی، درخت زندگی و درخت معرفت ظاهر می‌شود. درخت کیهانی، رمز آفرینش کیهان است؛ درخت زندگی در مرکز عالم قرار دارد و منشأ زندگی همه موجودات دیگر است و درخت معرفت در مرکز بهشت بوده است و انسان با خوردن از میوه ممنوعه آن ناچار به هبوط می‌شود. علاوه بر این از رهگذر اعتقادات ایرانیان باستان، درخت در اشکال متفاوت در آثار هنری پیش از اسلام ظاهر می‌شود.

حسین آبادی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی پیوستگی نگاره‌های درخت با باورهای اساطیری و مذهبی هند» مسئله ارتباط قابل ملاحظه باورهای مذهبی رایج در هند با نگاره درخت و بنا به اهمیت آن در نگارگری و هنر بودایی را بررسی کرده است. در این پژوهش که مبتنی بر شیوه توصیفی-تحلیلی است، موضوع درخت مقدس در سه حوزه مورد توجه قرار دارد که عبارتند از: ۱- ارزش و قداست درخت در هند، ۲- انواع درختان مقدس در این سرزمین، ۳- تجلی بودا به شکل درخت در هنر بودایی. نتیجه این بررسی ضمن آنکه بیانگر اهمیت و قداست جایگاه درختان مقدس در بین پیروان ادیان گوناگون موجود در هند است، نشان می‌دهد که پیوستگی حضور خدایان و شخصیت‌های اسطوره‌ای با درخت، از عوامل اصلی گسترش نگاره‌های مربوط به درخت در هنر هند و بودایی است.

ملاحظات مفهومی پژوهش

محققان کیفی برخوردار از یک چارچوب نظری از قبل تعیین شده را برای تحقیق مضر می‌دانند؛ زیرا ممکن است محقق را بسیار محدود کند و موجب غفلت او از دیدگاه افراد مورد مطالعه درباره موضوع در حال وقوع شود (ایمان، ۱۳۹۳: ۱۷۷). با وجود این، آنان در تحقیقات‌شان از متون نظری به منزله منابع احتمالی ایجاد پرسش، منبع ثانویه داده‌ها و راهنمای نمونه‌گیری نظری استفاده می‌کنند (استروس و کوربین، ۱۳۹۰: ۴۶). با توجه به اینکه پژوهش حاضر با رویکردی کیفی انجام شده است، نگارنده خود را به مبنای نظری از پیش تعیین شده محدود نکرده و دیدگاه‌های پیش‌رو بیشتر برای تبیین نتایج به‌دست‌آمده استفاده شده است:

درختان از دیرباز نزد انسان‌ها مورد احترام بوده‌اند. انسان بدوی اعصار کهن و عصر حاضر گمان می‌کند که درختان نیز مانند جانوران و مردم روح دارند. در بسیاری از این جوامع یا

درختان را می‌پرستند و یا به عنوان واسطه‌ای بین عالم خدایان و عالم بشری آن را تقدیس می‌کنند، به شکلی که بقایای این اعتقادات را هنوز می‌توان در برخی ادیان و جوامع مشاهده کرد. در این راستا الیاده (۱۳۷۲: ۲۵۹) معتقد است: «در تاریخ، مذهب، سنن، روایات مردمی سراسر جهان، بینش‌های مابعدالطبیعی و عرفانی و کهن و نیز در شمایل‌نگاری‌ها و در هنر عوام، درختان بااهمیت و آیین‌ها و رمزهای نباتی را مشاهده می‌کنیم. این اسناد متعلق به ادوار و فرهنگ‌های گوناگونند». پاروت^۱ نیز در بررسی تصورات «درخت مقدس» در میان رودان و ایلام می‌نویسد: «خود درخت پرستیده نمی‌شود، بلکه در ورای درخت، ذات و جوهری روحانی نهفته است» (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۱۱). همچنین فریزر^۲ (۱۳۸۲: ۱۵۴) در کتاب شاخه زرین گفته است: در بین بدویان، جهان عموماً جاندار بود و گیاهان و درختان از این قاعده مستثنا نبودند. به نظر انسان بدوی درختان نیز چون خود او روح داشتند و بر همین اساس با آنها رفتار می‌کرد. قوم ایروکوآ^۳ باور داشتند که درخت، درختچه، گیاه و علف روح دارد و رسم آنان این است که شکر این ارواح را به جای آورند.

جیمز هال^۴ در کتاب فرهنگ نگاره‌ای نمادها، این پرسش را مطرح می‌کند که از نظر اقوام مختلف، دلایل تقدس درختان چیست؟ او پاسخ می‌دهد که درختان در بسیاری از اقوام به عنوان جایگاه خدا یا در واقع خود خدا پنداشته می‌شدند و به همین دلیل آن‌ها را می‌پرستیدند. همچنین نماد کیهان و منبع باروری و نماد دانش و حیات جاودانی نیز محسوب می‌شدند (۱۳۸۰: ۲۸). علاوه بر این آزادگان اعتقاد دارد «در دوره کشاورزی زمین و آب و گیاه و گردش فصول در زندگی بشر اهمیت پیدا می‌کند. پس توت‌م‌گرایی گیاهی و افسانه‌های مربوط به تبدیل انسان و گیاه به یکدیگر و مراسم جشن‌های بهاری به وجود می‌آیند. انسان کرامات فراوان به گیاهان نسبت می‌دهد. در اکثر کشورها پدیده تقدس درخت سابقه طولانی دارد. هنوز هم در جاهای بسیار، مانند هند شمالی، بعضی از درختان را مقدس می‌دانند. به نظر ایرانیان قدیم زرتشت درخت سرو را از بهشت به زمین آورده است» (۱۳۸۴: ۱۴۱). ماسه^۵ ایران‌شناس فرانسوی در کتاب «معتقدات و آداب ایرانی» از نمونه‌های زیادی از چنارهای مقدس در نواحی

1 Parrot
2 Frazer
3 Iroquois
4 James Hall
5 Massé

مختلف سخن گفته است. همچنین او از درختان نارون و شمشاد به عنوان درختان مقدس و از درختان سرو و زیتون که همیشه سبز هستند، به عنوان درختان بهشتی یاد می‌کند (۱۳۵۵: ۱۵۰). هدایت در مورد اعتقادات ایرانیان به درختان می‌نویسد: «از قدیم‌الایام، ایرانیان نه تنها برای گیاهان روح و زندگی قائل بوده‌اند، بلکه آنها را دارای هوش و ذکاوت نیز می‌دانسته‌اند و گمان می‌کرده‌اند که زبان آدمیزاد را می‌فهمند» (۱۳۱۲: ۱۰). سایکس^۱ در مورد اعتقاد ایرانیان به درختان می‌نویسد: به سبب کمبود درخت در این کشور درختانی که به طور دیم می‌رویند، اغلب مقدس شمرده می‌شوند (مجنونیان، ۱۳۶۹: ۲۰).

روش تحقیق

با توجه به هدف پژوهش، روش کیفی انتخاب شده و بر همان اساس، روش پدیدارشناسی توصیفی مورد استفاده قرار گرفته است. «در فرایند تحقیق پدیدارشناسانه، مسئله پدیدارشناسی اساساً به دنبال چستی معنای پدیده‌ای خاص یا بررسی ذات و ماهیت پدیده‌ها و تجربیات است و نیازمند شناسایی آن از ذهن افرادی است که با این موارد درگیرند» (ایمان، ۱۳۹۳: ۳۲).

مشارکت‌کنندگان و نمونه‌گیری

مشارکت‌کنندگان این پژوهش، افرادی هستند که برای طلب و رسیدن به خواسته‌های خود نزد درخت کُنار می‌آیند و به آن متوسل می‌شوند. برای انتخاب نمونه‌های مورد نظر از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است که سنخیت بیشتری با تحقیقات کیفی دارد. در این نوع نمونه‌گیری، حجم نمونه به اشباع نظری سؤالات مورد بررسی بستگی دارد. به این ترتیب که هرگاه محقق به این نتیجه برسد که پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان تحقیق به همدیگر شباهت دارد و دیگر داده‌های جدیدی به دست نمی‌آید، تعداد مصاحبه‌ها را کافی می‌داند و برگزاری مصاحبه را متوقف می‌کند. نگارنده برای جمع‌آوری داده‌ها، در اماکنی حضور می‌یافت که مشارکت‌کنندگان به درختان کُنار^۲ متوسل می‌شدند و با استفاده از مصاحبه عمیق از آنها می‌خواست تجربه زیسته خود را از این درخت بیان کنند. در نهایت ۱۵ مصاحبه با مشارکت‌کنندگان انجام شد (جدول ۱) و بعد از این تعداد مصاحبه، اشباع نظری حاصل گردید.

1 Sykes

۲ درختانی که دسترسی به آنها برای مؤلف آسان‌تر بود و از جایگاه بالاتری نزد مردم برخوردار بودند.

البته نگارنده سعی کرده است برای به دست آوردن بهتر تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان، نسبت سن و جنسیت را در بین آنها در نظر گیرد.

در این پژوهش داده‌ها بر اساس رویکرد پدیدارشناسی توصیفی-کلایزی^۱ تحلیل شد. مدل پیشنهادی کلایزی (۱۹۷۸) شامل هفت مرحله بود که گام‌های آن عبارتند از: ۱- در ابتدا تمام توصیف‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش چندین مرتبه خوانده شد تا محتوای کلی آنها درک شود. ۲- در این مرحله با مراجعه به همه توصیف‌ها، جملات و عبارات مهمی که به طور مستقیم به پدیده مورد مطالعه مرتبط بودند، استخراج گردید. ۳- تلاش شد تا به معنای هر یک از جملات مهم پی ببریم. پس از آن معانی استخراج‌شده از جملات با هم ترکیب گردید و یک معنی مشترک حاصل شد. ۴- مراحل فوق برای همه جملات مهم تکرار شد و معانی فرموله‌شده و مرتبط به هم را در خوشه‌هایی از تم‌ها (موضوعات اصلی) قرار دادیم. ۵- در این مرحله مفاهیم کلیدی اطلاعات به صورت روایت‌وار (به منظور بیان یافته‌ها در قالب جملات بدون ایهام) نوشته شد. ۶- با مراجعه مجدد به هر یک از شرکت‌کنندگان، نظر آن‌ها در مورد یافته‌ها پرسیده شد و اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها انجام گردید. ۷- به منظور تعیین قابلیت پیگیری، فعالیت‌های روزانه فرایند تحقیق، به صورت گزارش کتبی نوشته شد و تجربه شخصی نگارنده در برخورد با شرکت‌کنندگان ثبت گردید.

جدول (۱): مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش^۲

ردیف	نام	جنس	سن	وضعیت تأهل	تحصیلات
۱	ننه طاهره	زن	۶۰	متاهل	بی‌سواد
۲	کبری	زن	۵۴	متاهل	خواندن و نوشتن
۳	اسماعیل	مرد	۳۸	مجرد	دیپلم
۴	حسین	مرد	۶۵	متاهل	ابتدایی
۵	موسی	مرد	۵۰	متاهل	راهنمایی
۶	امید	مرد	۵۲	متاهل	دیپلم
۷	محمود	مرد	۴۱	متاهل	فوق دیپلم
۸	بی بی کوچک	زن	۷۰	متاهل	بی‌سواد

1 Colaizzi

۲ با توجه به ملاحظات اخلاقی از اسامی مستعار استفاده شده است.

ادامه جدول (۱): مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش^۱

ردیف	نام	جنس	سن	وضعیت تأهل	تحصیلات
۹	مرضیه	زن	۴۰	متاهل	دیپلم
۱۰	بی بی سکینه	زن	۶۶	متاهل	بی سواد
۱۱	حسن	مرد	۴۷	متاهل	راهنمایی
۱۲	مراد	مرد	۲۸	مجرد	دانشجو
۱۳	فاطمه	زن	۳۳	متاهل	دیپلم
۱۴	راضیه	زن	۳۷	مجرد	لیسانس
۱۵	عزیزه	زن	۵۱	متاهل	ابتدایی

یافته‌های پژوهش

نوشتار حاضر با هدف تبیین تجربه زیسته مردم شهر دزفول از درخت کُناَر با رویکرد کیفی انجام شده است. در فرایند تحلیل و کدگذاری داده‌ها، ۲۰ مفهوم استخراج گردید که در قالب سه مقوله یعنی مدیریت منابع، همبستگی جمعی و کنترل فردی-اجتماعی دسته‌بندی شدند. در جدول (۲) مفاهیم و مقولات پژوهش بیان شده است.

جدول (۲): مفاهیم و مقوله‌های پژوهش

ردیف	مفاهیم	مقوله‌ها
۱	حفاظت از طبیعت، ترس از آسیب، اهمیت داشتن، ارزش مادی، استفاده بهینه، محافظت و برکت، خواص دارویی	مدیریت منابع
۲	هماندی، همدلی، اجماع، امیدواری، همیاری، انتقال ارزش‌ها، پیوند بین نسلی	همبستگی جمعی
۳	بازدارندگی، اطمینان خاطر، مسالمت‌جویی، آرامش بخشی، در امان ماندن، طلب بخشش	کنترل فردی-اجتماعی

درخت کُناَر و مدیریت منابع

با توجه به تأثیری که انسان در دگرگونی عناصر طبیعی و ترکیب و تبدیل آن‌ها دارد، در جهت کمال بخشیدن به طبیعت نیز نقش بنیادی ایفا می‌کند. در راستای این کمال‌بخشی، انسان بایستی اصولی را مورد توجه قرار دهد که بسیاری از این اصول را می‌توان به عنوان اجتناب از اسراف و

۱ با توجه به ملاحظات اخلاقی از اسامی مستعار استفاده شده است.

تبدیر، سعی در عمران و آبادانی زمین و حفظ ارزش‌های مادی آن و ... طبقه‌بندی کرد که تخطی از آن‌ها به نحوی عاملی بازدارنده در فرایند کمال و رشد طبیعت است. این نوع نگرش به طبیعت هدایت‌گر انسان به سمت حفظ و حراست از آن است. به همین دلیل ارزش‌های ایمانی و باورهای فرهنگی جوامع می‌تواند در جهت استفاده بهینه از مواهب طبیعی راهگشا باشد (رضوانی، ۱۳۸۲: ۱۱۹). بسیاری از باورداشت‌های دین اطلاعات محیطی مهمی را در بر می‌گیرند و مناسک مذهبی غالباً مشخص‌کننده یا محرک رویدادهایی هستند که برای توفیق در تولید اقتصادی و توزیع اهمیت اساسی دارند. بر این اساس، جوامع انسانی نظام‌هایی اجتماعی- فرهنگی هستند که شناخت آنها پیش از هر چیز باید از خلال محصولات مادی آنها و شرایط مادی که در آن زندگی می‌کنند، انجام شود. ماروین هریس^۱ معتقد است که برخی رسوم و باورداشت‌های مذهبی ممکن است در نگاه نخست ارزش تطبیقی نداشته باشند. برای مثال، ممنوعیت کشتن یا خوردن گاو در مذهب هندو آن‌هم در سرزمینی که این همه گرسنگی در آن رواج دارد، غیرمنطقی است؛ زیرا گاو سه محصول اساسی را تولید می‌کند: سوخت، کود و شخم زدن مزارع (بیتس و پلاگ، ۱۳۸۶: ۶۸۹-۶۸۸).

اما آیا می‌توان ارتباطی بین ممنوعیت کشتن گاو در هند با ممنوعیت بریدن درخت کُنار در شهر دزفول پیدا کرد؟ افراد وقتی می‌بینند که درختان کُنار در درازمدت برای آنان سودبخش است به خود اجازه نمی‌دهند که آنها را قطع کنند و تابوهایی حول آنها شکل می‌گیرد. تابوهایی همانند موارد زیر: هر کسی این درخت را قطع^۲ کند، در زندگی روزمره‌اش اتفاقی بدی برایش رخ خواهد داد، یا کسی حق ندارد آب جوش زیر این درخت بریزد یا شاخه‌های آن را ببرد. بنابراین مردم برای اینکه کسی به درخت آسیب نرساند، پارچه یا نخ رنگی به درخت می‌بندند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این خصوص می‌گفت:

«روزی در حال رفتن به خانه بودم و هوا بسیار گرم بود. سپس زیر درخت کُناری که شاخه‌های بزرگ بود و سایه فراوان داشت کمی استراحت کردم. بعد با خودم گفتم بهتر است برای اینکه دیگران هم بتوانند از سایه آن استفاده کنند و کسی به آن آسیبی نرساند، پارچه‌ای رنگی به آن ببندم» (۷).

1 Marvin Harris

۲ حاج شیخ عباس قمی در سفینه‌البحار به نقل از پیامبر (ص) آورده است «لَعْنُ اللَّهِ قاطع السُّدْرَةِ - یعنی خدا لعنت کند کسی را که درخت سدری را قطع کند» (قمی، ۱۳۷۲: ۶۱۱).

بنابراین درخت کُنار در درازمدت برای افراد زیادی می‌تواند مفید باشد و مردم می‌توانند از سایه، میوه و برگ‌های آن برای مدت‌های طولانی استفاده کنند؛ هر چند باورهای مردم درباره این درخت، این مسئله را تشدید می‌کند. علاوه بر این، باورداشت‌ها و مناسک مذهبی معمولاً اطلاعاتی را درباره شیوه‌های رفتاری تأثیرگذار بر محیط زیست نشان می‌دهند و انسان‌ها را به این گونه رفتارها ترغیب می‌کنند.^۱ برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گفت:

«در سال ۱۳۴۲ داشتند زمین‌های این منطقه را تسطیح می‌کردند که مهندس ناظر دستور قطع درخت کُنار مسجد را با بولدوزر می‌دهد، ولی با مخالفت مردم روبرو می‌شود؛ اما او گفت که حتماً این درخت باید قطع شود. سپس به راننده بولدوزر دستور داد جلو برود، ولی ناگهان بولدوزر خاموش می‌شود و این کار را برای سه بار انجام می‌دهد، ولی هر سه بار بولدوزر خاموش می‌شود تا اینکه او از بریدن درخت منصرف می‌شود» (۴).

به باور داگلاس، انسان‌شناس بریتانیایی، پدیده‌ها، اشیاء و انسان‌ها نمی‌توانند ذاتاً ناپاک تلقی شوند، بلکه ناپاکی آن‌ها به موقعیت‌شان درون نظامی از معانی و نمادها بستگی دارد (۱۹۶۶: ۱۹۰). در این راستا همان‌طور که بیان شد درخت کُنار به دلیل فواید مادی برای مردم و تابوهای شکل‌گرفته درباره آن نباید بدون دلیل قطع شود. هر چند در مواردی پیش می‌آید که تحت هر شرایطی درختی باید قطع شود. در چنین مواقعی، شخص به عالم دینی مراجعه می‌کند و از او اجازه قطع درخت را می‌گیرد. سپس به دستور عالم قبل از قطع درخت، گوسفند یا مرغی قربانی می‌کند. یکی از مشارکت‌کنندگان درباره این موضوع می‌گفت:

«چند سال پیش درخت کُناری در خانه داشتیم که ریشه بسیار قوی داشت و تا زیر ساختمان رشد کرده بود؛ به طوری که داشت خانه‌مان را خراب می‌کرد. با خود فکر کردیم که چه کار کنیم که خانه ما خراب نشود. بسیار ترسیده بودیم. رفتیم پیش چند نفر از بزرگان و روحانیون محل تا ما را راهنمایی کنند. آن‌ها گفتند گوسفندی قربانی کنید و درخت را ببرید. ما نیز با ترس و گریه درخت را بریدیم» (۲).

۱ بقایای این اعتقاد به صورت دخیل بستن به درختان هنوز در جامعه ایرانی باقی مانده است. در اساطیر ایران درختان کهنسال مقدس‌اند و «زرتشت می‌گوید که هر کس درخت کهنسالی را قطع کند، گناه بزرگی را مرتکب شده است» (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۱).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان نیز می‌گفت:

«وقتی در سازمان فضای سبز مشغول کار بودم، یکی از باغبانان درخت کُناری را که همکاران از میوه آن استفاده می‌کردند، می‌خواست قطع کند. بعد از او خواستم قبل از این کار مرغی را سر ببرد تا بلایی دامگیرش نشود. چون شنیده بودم قبلاً یک نفر بدون دلیل درختی را قطع کرده و بعد پایش شکسته است. معتقدم شکستن پای باغبان به علت بریدن بی‌جهت آن درخت بود» (۱۱).

مشارکت‌کنندگان معتقدند که این مراسم، آیینی قدیمی است که از گذشتگان بر جای مانده و کارکردهای آن نیز به نسل بعد منتقل شده است. بنابراین برای اینکه بتوان به حفظ و نگهداری این منبع حیاتی برای آیندگان کمک کرد، احترام به درخت کُنار مهم است. چون در باور آنها این درخت هدیه‌ای بهشتی است. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گفت:

«من به این درختان باور خاصی دارم. چون یک باور جمعی و قدیمی است. باوری که می‌گوید این درختان بهشتی هستند و در قرآن^۱ به آن اشاره شده. برای اینکه از گناهان پاک شویم باید با برگ‌های این درختان خودمان را بشوریم» (۹).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان می‌گفت:

«به خاطر احساس مسئولیتی که به گروه دارم، همیشه در تشیع جنازه فامیل شرکت می‌کنم و شاخه درخت کُنار زیر دست متوفی می‌گذارم. زیرا طبق گفته بزرگان این شاخه‌ها می‌توانند در بخشش گناهان به متوفی^۲ کمک کنند» (۱۲).

درخت کُنار و همبستگی جمعی

همبستگی به مفهوم بهره‌مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در محله و اجتماع محلی و گروه‌هایی که افراد در آن‌ها عضویت دارند یا در آن‌ها مشارکت می‌کنند. اعمال و مناسکی که افراد هنگام شرکت در آیین‌ها انجام می‌دهند، سبب پیوستگی افکار و اعتقادات آن‌ها و همسو کردن آنان می‌شود. در شهر دزفول شب جمعه افراد مختلف پای این درختان

۱ سوره النجم، آیه ۱۳

۲ حاج شیخ عباس قمی بیان کرده است: «چیزهایی که باعث نجات فشار قبر می‌شود، گذاشتن جریذتین؛ یعنی دو چوب‌تر است و روایت شده است که برطرف می‌شود عذاب از میت، مادامی که آن چوب‌تر است» (قمی، ۱۳۷۲: ۴۸).

شمع روشن می‌کنند و به یکدیگر احساس تعلق خاصی دارند. به طور مثال یکی از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه خود می‌گفت:

«وقتی می‌بینم که هر کسی شمعی به پای درخت روشن می‌کند، من هم سعی می‌کنم چنین عملی را انجام دهم؛ زیرا من عضوی از جامعه هستم و با این عمل احساس خوبی به من دست می‌دهد» (۱۳).

یا خانمی می‌گفت:

«بعد از پایان مراسم، افرادی که در پای این درختان جمع می‌شوند، شروع به صحبت در مورد مسائل مختلف می‌کنند. در این بین زنی با شوهرش مشکل داشت، از من خواست تا در حل مشککش به او کمک کنم. بعد از آن من نکاتی را برای حل مشکلاتشان به او گفتم» (۱۰).

دورکیم احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می‌آید، عاطفه جمعی^۱ می‌نامد. به نظر وی عاطفه جمعی عمیق، بیشتر در مناسک جمعی (مانند اعیاد و مراسم ملی و مذهبی و غیره) به وجود می‌آید و بدین ترتیب موجب افزایش و تحکیم همبستگی اجتماعی می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۸۰). انجام چنین اعمالی از یک سو نمایش رسوم و سنت‌هایی است که از گذشتگان بر جای مانده و از سوی دیگر نوعی احساس تعاملی در بین مشارکت‌کنندگان با هر نوع گرایشی است. برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گفت: «برای دفع بلا و مصیبت و افزایش امید به زندگی، دعایی بر روی کاغذی می‌نویسم و آن را به این درخت کُتار در خیابان آویزان می‌کنم، با این کار از خداوند می‌خواهم کمک کند».

یافته‌ها نشان می‌دهد وجود ارزش‌های مشترک از جمله عواملی است که موجب ترغیب مشارکت‌کنندگان در دزفول برای توسل و احترام به درخت کُتار است. ارزش‌های مشترک موجب می‌شود اعضای جامعه حس بهتری درباره خود داشته باشند. برگزاری چنین آیینی ارزش‌ها را محکم‌تر می‌کند. برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گفت:

«زنی از یکی از روستاهای دزفول آمده بود به درخت کُتار پیر اکبر حنا مالیده بود، بعد دیدم برخی دیگر از مردم دارند پای این درخت شمع روشن می‌کنند، هر کدام از آنان به دلیل برآوردن حاجت یا رفع مشکلی در زندگی‌شان این کار را می‌کردند. البته

1 collective effervescence

ممکن است برخی هم برای اینکه هم‌رنگ جماعت بشوند، همچین کاری انجام دهند و فکر کنند که یک رسم مشترک و همگانی است. من هم وقتی می‌بینم که مردم چطور به این درخت متوسل می‌شوند و برای شفای مریض‌شان به آن پارچه^۱ می‌بندند یا شمعی روشن می‌کنند، چنین عملی را انجام می‌دهم» (۱۴).

علاوه بر این، کنش متقابل اجتماعی در جریان برگزاری آیین‌ها و سنت‌ها ضمن برقراری تعامل و تجمع افراد و گروه‌ها، سبب پیوند بین نسل‌ها و استمرار و انتقال ارزش‌ها و هنجارها از نسلی به نسل دیگر می‌شود. ما می‌توانیم این پدیده را در دزفول و در جریان توسل به درخت کُتار مشاهده کنیم. به ویژه هنگامی که بچه‌ها با والدین‌شان به این درختان متوسل می‌شوند، این رسم توسط آنها به فرزندان منتقل می‌گردد. برای نمونه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گفت:

«بارها دیده‌ام که در مراسم توسل به درخت کُتار نوجوانان و بچه‌های خردسال همراه پدر و مادرشون شرکت می‌کنند. آنان با دیدن این عمل توسط والدین‌شان، یاد می‌گیرند که چطور چنین عملی را انجام دهند» (۳).

درخت کُتار و کنترل فردی-اجتماعی

کنترل فردی و اجتماعی در سطح جامعه ناشی از استمرار وجود ارزش‌های فرهنگی است که به حفظ اعتماد درونی، رفع خطرها، استفاده بهینه از فرصت‌ها و ارتقای سطح زندگی اجتماعی کمک می‌کند. کنترل فردی و اجتماعی از عوامل مؤثر بر شرکت در آیین‌ها و جشن‌ها است که منجر به جامعه‌پذیری و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها می‌شود. ارزش‌ها و هنجارهایی که یادگیری آن‌ها موجب حفظ ثبات جامعه می‌شود. مشارکت‌کنندگان با توسل و احترام به درخت کُتار یاد می‌گیرند که چگونه در جمع و متناسب با موقعیت‌شان عمل کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان درباره این موضوع می‌گفت:

«وقتی در مکان‌های مقدسی هستم، افسردگی را فراموش می‌کنم و حس خاصی بهم دست می‌دهد و سعی می‌کنم که در زندگی گناهی مرتکب نشم» (۵).

۱ برای نمونه کُتار نظر کرده در «سروئیه» حاجی‌آباد بندرعباس را می‌توان مثال زد. این کُتار «کُتار سلطان شاه غیب» نام دارد. درخت کهنسالی که میوه آن بی‌هسته است و برای آن خاصیت شفادهندگی قائل‌اند، به آن دخیل می‌بندند و از مصرف حتی شاخه‌های خشک‌شده آن هم پرهیز دارند (فرهادی، ۱۳۷۲: ۳۲۴).

مشارکت‌کنندگان معتقدند انجام این عمل برای آنان حس اعتماد به نفس و بازدارندگی به همراه دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان زن می‌گفت: «وقتی این جماعت را می‌بینم که چگونه با هم در ارتباط‌اند و در برگزاری آیین احترام به درخت کُنار به هم کمک می‌کنند و منتظرند تا به حاجت‌شان برسند من نیز به حس اطمینانی درونی می‌رسم تا همچنین عملی را انجام دهم» (۱). یا یکی از مشارکت‌کنندگان مرد می‌گفت: «در ۸ سالگی دچار تب شدیدی شدم و در حال مرگ بودم. مادرم با گریه من را به زیارت امامزاده محمد بن جعفر^۱ برد. بعد از زیارت از پوست درختان کُناری که آنجا بود به من داد خوردم تا زودتر خوب شوم» (۶). علاوه بر این مشارکت‌کنندگان معتقدند برای شرکت در اجتماعات آیینی و دینی لازم است یک سری اصول را رعایت کرد تا برای آنان آرامش حاصل شود. آرامشی که به معنای رهایی از خطرهای در زندگی روزمره است. برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گفت:

«وقتی در محله نعل‌شکن^۲ زندگی می‌کردیم درخت کُناری وجود داشت که برای مردم بسیار قابل احترام بود. روزی یکی از همسایه‌ها آن درخت را برید و پس از انجام این کار مدتی مریض شد. برای بخشش گناهش، از او خواستیم به درختان کُنار که خالقش خداوند است احترام بگذارد. او نیز قول داد که همچنین کاری کند. سپس از خداوند خواستیم که او را ببخشد» (۸).

با توجه به آثار و پیکره‌های سفالی یافت‌شده در منطقه، برخی معتقدند که این درختان نماد باروری و الهه آن‌اهیتا (ایزد بانوی آب) هستند که بیشتر با حماسه گیلگمش و ایشتر پیوند دارند. در این رابطه باستانی پاریزی نوشته است که پرستشگاه ناهید در همدان از چوب این درختان ساخته شده است (۱۳۵۷: ۲۵۰). یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان می‌گفت: «در مراسم عزادری شرکت کرده بودم بعد با یکی از شرکت‌کنندگان مشکل نازایی دخترم را مطرح کردم. او نیز

۱ محمد بن جعفر طیار (ع) پسر برادر و داماد حضرت علی (ع) و شوهر ام‌کلثوم علیها السلام است (حکمت‌فر، ۱۳۸۱: ۴۷).

۲ این محله در محدوده جنوب شرقی محله صحراب در مشرقی حوالی میدان کوتیان و اداره ارشاد اسلامی و جنوب خیابان حافظ قرار دارد. در سال‌های نه چندان دور خارج از شهر بود و قبرستانی در آنجا وجود داشت که اکنون متروکه شده است. چون این محل زمینی بسیار سخت و صخره‌ای داشت و موقع عبور حیوانات بارکش، برخورد نعل آن‌ها به آن سنگ‌های تیز و سخت موجب شکسته شدن نعل‌شان می‌شد، به این جهت به محله نعل‌شکن معروف شد.

گفت گهواره چوبی کوچکی درست کن و آن را در فصل بهار به درخت کُناری که در امامزاده محمدبن جعفر است، ببند تا خداوند متعال به تو کمک کند» (۱۵).

علاوه بر این، بین باورهای مردم به درختان کُناری که در اماکن مقدس روئیده‌اند و تأثیر آن‌ها در امید و شوق به زندگی، رابطه وجود دارد. مثلاً افرادی که به این درختان اعتقاد دارند، احساس می‌کنند که کمتر در معرض خطر حوادث زندگی هستند. آنان می‌گویند به این درختان متوسل می‌شوند، چون آن‌ها آفریننده خداوند هستند و می‌توانند واسطه خوبی بین انسان و خداوند باشند.

نتیجه‌گیری

همبستگی میان عناصر طبیعی و به ویژه نباتات و گیاهان با انسان سبب شده تا بسیاری از مردم در نواحی مختلف جهان از جمله هند، مصر، فرانسه و... برای برخی از گیاهان و درختان قداست ویژه‌ای قائل شوند. تاریخ و فرهنگ ایران آکنده از درختانی است که هر کدام با دیرینگی ویژه خود رمز و رازی دیگرگونه دارند. اهمیت درخت در فرهنگ ایران به اندازه‌ای است که درخت با بسیاری از نمادهای هم‌پیوند خود ارتباط گرفته و زمینه‌های اساطیری و تصویری تازه‌ای ایجاد کرده است. پژوهش حاضر به دنبال تبیین تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان از درخت کُنار در شهر دزفول بود. بر اساس یافته‌های پژوهش در گوشه و کنار ایران با توجه به شرایط آب و هوایی و جغرافیایی درختانی رشد می‌کنند که برای مردم محلی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردارند. در شهر دزفول نیز شرایط آب و هوایی باعث رشد درخت کُنار شده است و مردم در مواقعی که به کمک نیرویی ماوراءطبیعی نیاز دارند، به آن متوسل می‌شوند. آیین‌های توسل به درختان مختلف برای باروری انسان، گیاه و دام و حاصلخیزی و سرسبزی کشتزارها در جامعه کشاورزی و دامداری اهمیتی ویژه داشته است. در اسلام و دستورات قرآن کریم نیز طبیعت و مظاهر آن به عنوان آیه‌های الهی مورد توجه قرار گرفته‌اند و از این روست که فرایض دینی در ارتباط با تکریم درختان در میان مسلمانان ایران بسیار رواج دارد (جوادی، ۱۳۹۲: ۵۰). پس علت عمده تقدس درخت کُنار به خصوصیات طبیعی و ذاتی خود درخت باز می‌گردد. خواص درمانی و بهداشتی همچون استفاده از برگ‌های این درختان برای شستن سر، غسل دادن انسانی که فوت کرده و باید قبل از دفن با برگ‌های این درختان شسته شود، استفاده از شاخه‌های این درخت در تدفین میت، پروتئین‌دار بودن میوه این درخت، تانن‌دار بودن پوست

این درخت و چوب بسیار محکم آن موجب اهمیت هر چه بیشتر و مدیریت این منبع حیاتی شده است. به نظر می‌رسد تأکید بسیار مردم بر فواید پزشکی و بهداشتی به دلیل اشاره به این درخت در قرآن است. بنابراین مشارکت‌کنندگان تحقیق به طرق مختلف همچون بستن پارچه رنگی، مالیدن حنا، روشن کردن شمع و ... موجب حفظ آن می‌شوند و با انجام دادن این اعمال احترام به درخت کُناَر تداوم می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش اکبری‌زاده و طاهری (۱۳۹۹) درباره هم‌نشینی درخت با مردگان و خاصیت‌های طبیعی و دارویی آن همخوانی دارد.

به باور کلیفورد گیرتز مراسم مذهبی موقعیت‌های برجسته‌ای هستند که از طریق آنها نمادهای مذهبی برای حفظ ایمان کوشش می‌کنند. افراد با شرکت در مراسم مذهبی مختلف علاوه بر مواجه شدن با یک جهان‌بینی، آن‌ها را به عنوان وجهی از شخصیت خود نهادینه می‌کنند (مک لولین، ۱۳۸۳: ۱۰). آیین‌ها با گرد هم آوردن افراد مختلف، موجب همزیستی مسالمت‌آمیزی می‌شوند که در شأن انسان رشدیافته و حقیقی است و از مؤلفه‌های مهم نظم و توسعه اجتماعی به شمار می‌آید. وقتی مشارکت اجتماعی در بین افراد افزایش یابد، به همان نسبت نیز همبستگی اجتماعی تقویت می‌شود. افراد با شرکت در مراسم مرتبط با این درخت و انجام اعمالی نمادین همانند توسل و التجا، نماز خواندن، حنا مالیدن، دعا خواندن و گرد آمدن در مکانی که این گونه مراسم در آن برگزار می‌شود، احساس هم‌نوایی و آرامش خاطر بیشتری را با گروه تجربه می‌کنند و به انسجام و یکپارچگی می‌رسند. زیرا باورهای دینی مشترک به زندگی افراد هدف و معنا می‌بخشد و آن‌ها را از درگیری‌ها و کشمکش‌ها دور می‌کند. این یافته تا حدودی با یافته‌های سید اخلاقی (۱۳۹۹) و حسین‌آبادی (۱۳۹۳) منطبق است. با توجه به اینکه روح همدلی، صمیمیت و احساس مسئولیت مشترک در جوامع شهرنشین امروزی تضعیف شده است، این‌گونه اعمال شرایطی را فراهم می‌آورند تا مشارکت‌کنندگان در کنار هم این روحیه را تقویت کنند.

در نهایت یادآوری این نکته ضروری است که در دنیای مدرن امروزی گیاهان و درختان همچنان از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. به طوری که گروه‌ها و احزاب حامیان فضای سبز در اروپای امروز باور دارند که گیاهان و درختان در زندگی مادی و معنوی مردم تأثیر فراوانی دارند. بنابراین در جوامع سنتی و مدرن چه به دلیل تقدس و توسل و چه از باب مباحث زیست‌محیطی و سلامتی نوع بشر به گیاهان بسیار اهمیت می‌دهند.

منابع

- آزادگان. جمشید. (۱۳۸۴). تاریخ ادیان ابتدایی و قدیم. تهران: سمت.
- ازکیا. مصطفی و غفاری. غلامرضا. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهرستان کاشان. نامه علوم اجتماعی. ۱۷. ۳۱-۳.
- استروس. آنسلم و کوربین. جولیت. (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افخمی. بهروز و زینب. خسروی (۱۳۹۷). پدیدارشناسی باغ ایرانی. طرح پژوهشی. دانشگاه محقق اردبیلی.
- اکبری‌زاده. محسن و طاهری. فاطمه (۱۳۹۹). فرایند تقدیس درخت در حوزه فرهنگی هلیل رود. فصلنامه مطالعات ایرانی. ۱۹ (۳۸). ۴۴-۲۵.
- الیاده. میرچا (۱۳۷۲). رساله‌ای در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- (۱۳۷۵). مقدس نامقدس. ترجمه ناصر زنگوئی. تهران: سروش.
- ایمان. محمدتقی (۱۳۹۳). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باستانی پاریزی. محمدابراهیم. (۱۳۵۷). خاتون هفت قلعه. تهران: امیرکبیر.
- بهار. مهرداد (۱۳۷۷). از اسطوره تا تاریخ. تهران: چشمه.
- بیتس. دانیل و پلاگ. فرد (۱۳۸۶). انسان‌شناسی فرهنگی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- پورآذر. منیره (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی نماد درخت در ایران باستان با اسلام و نمود آن در آثار هنری. همایش بین‌المللی شرق‌شناسی و مطالعات ایرانی علیگر هند. ۲ (۱-۳۱).
- پورعبدالله. حبیب‌اله (۱۳۸۷). از لطافت باغ‌های ایرانی تا ظرافت مثبت‌کاری. هفته‌نامه میراث فرهنگی (پارسه). ۳ (۱۴۴).
- جوادی. شهره (۱۳۹۲). بازخوانی روایت باستانی آب و درخت در دوران اسلامی ایران. فصلنامه هنر و تمدن شرق. ۱ (۱). ۵۰-۴۳.
- حسین‌آبادی. زهرا (۱۳۹۳). بررسی پیوستگی نگاره‌های درخت با باورهای اساطیری و مذهبی هند. فصلنامه مطالعات شبه‌قاره. ۶ (۱۸). ۴۸-۲۹.
- حکمت‌فر. محمد حسین (۱۳۸۱). زیارت بقاع متبرکه دزفول. دزفول: دارالمؤمنین.
- رضوانی. علی اصغر (۱۳۸۲). نقش اکوتوریسم در حفاظت محیط زیست. محیط‌شناسی. ۲۹ (۳۱). ۱۲۲-۱۱۵.

- سید اخلاقی. سید جعفر (۱۳۹۹). باورهای مردمی حفظ درختان مقدس در استان گیلان. مجله حفاظت و بهره‌برداری جنگل‌های هیرکانی. ۲(۱). ۶۳-۷۴.
- فرهادی. مرتضی (۱۳۷۲). گیاهان و درختان مقدس در فرهنگ ایرانی. آینده. ۱۹(۴-۶). ۳۲۹-۳۲۰.
- فریزر. جیمز (۱۳۸۲). شاخه زرین. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
- قربانی جویباری. کلثوم (۱۳۹۸). قربانی نخل؛ آیینی بازمانده از آیین‌های تموزی. دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه. ۲۵. ۲۰۵-۱۸۲.
- قمی. حاج شیخ عباس (۱۳۷۲). منازل الاخره. تهران: شهاب.
- ماسه. هانری (۱۳۵۵). معتقدات و آداب ایرانی. ترجمه مهدی روشن ضمیر. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- مالرب. میشل (۱۳۸۵). انسان و ادیان. ترجمه مهران توکلی. تهران: نی.
- مجنوبیان. هنریک (۱۳۶۹). درختان و محیط زیست. تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- مرتضوی. سارا (۱۳۸۶). اسطوره درخت مقدس. روزنامه سرمایه. ۴۲۷.
- مک لولین. شون (۱۳۸۳). دین مراسم مذهبی و فرهنگ. ترجمه افسانه نجاریان. اهواز: رسش.
- هال. جیمز (۱۳۸۰). فرهنگ نگاره‌های نمادها. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- هدایت. صادق (۱۳۱۲). نیرنگستان. تهران: جاویدان.
- Colaizzi, P. F. (1978). **Psychological research as the phenomenologist views it.** In R. S. Valle & M. King (Eds.). **Existential-phenomenological alternatives for psychology** (pp. 48-71). New York: Oxford University Press.
- Douglas, M. (1966). **Purity and danger: An analysis of the concepts of pollution and taboo.** London: Penguin Books.